



## دیدار رئیس اقلیم کردستان با رهبری

### گزارش مذاکرات دیروز نچیروان بارزانی در تهران

#### دیدار بارزانی سی‌هفتم

رئیس اقلیم کردستان عراق صبح روز دوشنبه به دیدار سیدابراهیم رئیسی رفت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، رئیسی در دیدار با بارزانی با بیان اینکه روابط کردستان با ایران بر پیوندهای تاریخی، ملی، دینی و فرهنگی استوار است، اظهار امیدواری کرد که این سفر به نقطه عطفی در ارتقای سطح روابط سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شود. رئیس جمهور گفت: «حمایت‌های ایران از کردها چه در زمان رژیم صدام، چه قتل عام حلبچه و حمله داعش اثبات می‌کند که ایران پشتوانه‌ای بزرگ و دوست‌روزی سخت عراق و کردستان است.»

وی افزود: «ما نسبت به حسن‌نیت و دوستی برادران عراقی و کرد خود اطمینان داریم، اما با توجه به کینه‌ورزی دشمنان از جمله رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، انتظار داریم دولت عراق و اقلیم کردستان به‌طور مطلق از هرگونه سوءاستفاده عناصر دشمن صهیونیستی و عناصر ضدانقلاب از خاک این منطقه علیه ایران جلوگیری به عمل آورند.»

رئیس جمهور با تاکید بر مرادوات تجاری بین ایران و اقلیم کردستان اضافه

### به دنبال اعلام حذف معلم بلاگرها مطرح شد:

## حریم شخصی کودک از ادعا تا واقعیت

خطر ساز شود. معلمان گروهی تأثیرگذارند که سال‌هاست به دنبال حقوق صنفی و آموزشی خودشان هستند و اگر این ارتباطات گسترش یابد ممکن است برای ساختار سیاسی در دسترس شود. او با اشاره به جهان دچار تحول و تأثیر فضای مجازی در این جهان توضیح می‌دهد: «امروز فضای مجازی ابزاری قدرتمند است که بسیاری از نهادهای سنتی، سبک زندگی، روش‌های حرکت به سمت کامپیایی و مسیریایی که می‌تواند انسان را به موفقیت‌های متفاوت برساند تغییر داده است. بدون شک فضای مجازی آثار مثبت و منفی به دنبال دارد. نحوه استفاده ما از این ابزار قوی و پیش‌رونده به روش کار ما و آموزش‌هایی که دیده‌ایم بستگی دارد. بنابراین برخورد چکشی و از بالا به پایین و بدون انجام پژوهش با معلم‌بلاگرها و حذف آنها با اما و اگرهای جدی همراه است. زیرا دربار کار معلم‌بلاگرها تنها یک خط قرمز وجود دارد و آن هم حقوق دانش‌آموز است. نیک‌نژاد از معلم‌بلاگرهای می‌گوید که با فعالیت‌شان در فضای مجازی توانستند در مناطق محلی فعالیت خود تأثیرگذاری زیادی داشته باشند. مانند معلم‌بلاگری در ترکمن صحرا که از مسیر فضای مجازی توانست امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آموزشی بسیار زیادی مانند لپ‌تاپ و سایر امکانات آموزشی پیشرفته را برای این منطقه کرده و در اختیار دانش‌آموزانش قرار دهد تا آنها از آموزشی کیفی‌تر برخوردار شوند.» (مورد دیگر معلم‌بلاگرها را می‌توانستیم ببینیم و ببینیم که در این منطقه چه کار می‌کنند. میزان این کمک‌ها انقدر زیاد بود که توانست برای چند مدرسه، منطقه محل تدریس صبحانه فراهم کند. معلم دیگری موفق شد که نهادهایی را برای مدرسه‌سازی به سمت منطقه محل تدریس خود بکشاند. این موضوع نشان می‌دهد که امکانات نوینی که وارد جامعه می‌شوند، فرصت‌ها و تهدیدهایی را به دنبال دارند. بدون بررسی آثار این امکانات نباید بر خودرهای نامناسب انجام دهیم.»

#### تشویق به کودک‌سازی در آموزش و پرورش

آنطور که این معلم خبر می‌دهد در حال حاضر معلم جوانی که ترانه «گنگستر شهر امل» را به همسران دانش‌آموزانش خوانده و در فضای مجازی تصاویر آن را منتشر کرده بود در حال حاضر کلاً کنار گذاشته شده است: «دستور برای حذف ناگهانی این معلم مناسب نبود. در این مورد ضروری بود در سطح جامعه گفت‌وگویی ایجاد گردد و پژوهشی در این زمینه انجام می‌دادند تا مشخص شود که باید با این فعالیت‌ها چه برخوردی شود. من امروز در کلاس از دانش‌آموزانم می‌خواهم مطالبی را به وسیله گوشی‌های همراه‌شان سرچ کنند. زیرا ابزار نوین به‌بینه‌سازی آموزش و تأثیرگذاری آن کمک می‌کند. او تأکید می‌کند که ما در آموزش و پرورش انتظارات زیادی از دولت داریم که بحق هم هست. دولت وظیفه دارد عدالت آموزشی را برقرار و شرایط آموزش به‌بینه و کیفی را اجرا کند؛ اما آموزش و پرورش به این موضوع تن نمی‌دهد. به نظر من تنها راهکار افزایش

گروه خبر: رئیس اقلیم کردستان که ظهر روز یکشنبه به تهران سفر کرد، روز گذشته به دیدار مقام رهبری، رئیس جمهوری، وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان رفت. این سفر دومین حضور نچیروان بارزانی در ایران به‌عنوان رئیس اقلیم کردستان است. بارزانی که پیش از این نخست‌وزیر اقلیم کردستان بود، از سال ۱۳۹۸ این جایگاه را در اختیار دارد. بارزانی در دوران نخست‌وزیری خود، چند سفر دیگر نیز به ایران داشت و برای اولین بار در مرداد ۱۴۰۰ برای شرکت در مراسم تحلیف سیدابراهیم رئیسی به‌عنوان رئیس اقلیم به تهران آمد.

دیدار نچیروان بارزانی، دومین دیدار رئیس اقلیم کردستان با مقام رهبری محسوب می‌شود. پیش از این، مسعود بارزانی، رئیس پیشین اقلیم در سفری که سال ۱۳۹۰ به ایران داشت، علاوه بر ملاقات با مقام رهبری، با علی لاریجانی و محمود احمدی‌نژاد به عنوان رؤسای وقت قوای مقننه و مجریه و همچنین علی اکبر صالحی، وزیر وقت امور خارجه نیز دیدار کرد. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبری روز گذشته در خبری کوتاه نوشت: «آقای نچیروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق پیش از ظهر امروز [دبیروز] با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کرد.»



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

آنطور که محمدحسین پورناتی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفته است، این وزارتخانه با تعدادی از معلم‌بلاگرها، برخورد کرده و آنها از سیستم حذف شده‌اند. این اظهارات در حالی گفته شد که اسفندماه سال گذشته هم علی فرهادی، سخنگوی آموزش و پرورش تأکید کرده بود، «هر گونه فیلمبرداری و پخش تصویر و فیلم دانش‌آموزان بدون هماهنگی با خانواده آنها، ورود به حریم خصوصی بوده و ممنوع است. حریم خصوصی دانش‌آموز و کلاس درس باید رعایت شود.» او به این گروه از معلمان هشدار داده بود که حریم خصوصی دانش‌آموزان و همچنین نظام تعلیم و تربیت را خدشه‌دار نکنند، در غیر این صورت، برخورد‌های قانونی روی میز وزیر آموزش و پرورش قرار دارد. در حالی که آموزش و پرورش داعیه حفظ حریم خصوصی دانش‌آموزان را دارد که صدا البته موضوعی حائز اهمیت است اما به نظر می‌رسد که این وزارتخانه و مقامات آن تنها در همین یک مورد حریم خصوصی دانش‌آموزان را محترم می‌شمارند. همانطور که پیش‌تر هم می‌بینیم در گزارش با عنوان «تکرار دهه ۶۰ در مدارس»، نوشت، این روزها هنوز هم در برخی مدارس به‌ویژه مدارس دخترانه کیف دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین وسیله شخصی آنها بخشی از حریم خصوصی دانش‌آموزان محسوب نمی‌شود و به همین جهت هم مسئولان برخی مدارس کیف دانش‌آموزان را مورد گشت و واریسی قرار می‌دهند: موضوعی که آموزش و پرورش نسبت به آن واکنش منفی نشان نداده و مورد توجه این وزارتخانه قرار نمی‌گیرد.

موضوع دیگر آن است که آیا حذف معلم‌بلاگرها و برخورد سلبی با این افراد راهکاری قانون‌مدارانه و منطقی است؟ آن‌هم در جهانی دچار تحول که فضای مجازی در آن تبدیل به محلی برای زیست اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و حتی حرفه‌ای افراد شده است.

#### رنگ و بوی سیاسی بر خورد با معلم بلاگرها

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزشی و عضو کانون صنفی معلمان اما این برخورد آموزش و پرورش با معلم‌بلاگرها و نگرانی بابت حفظ حریم خصوصی دانش‌آموزان را در مواردی ضروری اما به‌صورت کلی رفتاری دوگانه و توأم با رنگ و بوی سیاسی از سوی آموزش و پرورش می‌داند. او به هم‌میهن می‌گوید: «انظر برخی، گسترش معلم‌بلاگرها و تأثیر آن در آینده ممکن است



احمدی‌نژاد و حمله فیزیکی به لاریجانی در قم انجامید. امروز نیز از پس روند خالص‌سازی پنج سال گذشته، نشانه‌های آشکاری از تعارض و شکاف میان سیدابراهیم رئیسی و متحدان تندرو دولت (موسوم به «سوپرانقلابی‌ها») با جریانات باتجربه‌تر و ریشه‌دارتر حاضر در قدرت (که محمدباقر قالیباف و به‌ویژه غلامحسین محسنی‌از‌های آنها را نمایندگی می‌کنند)، دیده می‌شود؛ تعارضی آشکار که اوج آن در انتخابات مجلس دوازدهم و در قالب لیست‌های چندگانه و مجادله میان نیروهای قدیمی و نوپدید جریان حاکم (همان که غلامحسین حداد‌عادل از آن به‌عنوان «چهارها و پاجوش‌ها» نام برد)، بروز یافت. بدیهی است که در چنین ساختار دوگانه‌سازی، انتظار آنکه موضوعاتی چون قرارداد چندمیلیارد یورویی با چینی‌ها محرمانه بماند و مجادله بر سر آن به صحن شورای شهر و صفحات رسانه‌ها کشیده نشود، تاجه حد بی‌معنا و بی‌جا خواهد بود. ظاهراً چینی‌ها با وضعیت سیاسی داخلی ایران را نمی‌شناسند و یا آنکه بیش از حد به قول و وعده طرف ایرانی مبنی بر لحاظ کردن تدابیر امنیتی جهت محرمانه ماندن موضوع، بها داده‌اند و لابد، حال نیز اشتباه خود را دریافته‌اند.

#### از منظر ساخت بین‌الملل و مناسبات تحریم

اگر طرف چینی در جریان این قرارداد، غفلت خود از مناسبات سیاست داخلی ایران را دریافت؛ طرف ایرانی هم، عملاً انبوه ادعاهای خود در سیاست خارجی را به چالش کشید و ناخواسته، به درستی مواضع طرف مقابل (حامیان و هواداران برجام و تنش‌زدایی) اعتراف کرد. جالب آنکه مدافع و سخنگوی اصلی این قرارداد، شهردار کنونی تهران است که در موسم انتخابات ۱۴۰۰ و در مصاحبه‌ای تبلیغاتی مدعی شد تنها ۲۰ درصد مشکلات اقتصادی کشور به تحریم برمی‌گردد و ۸۰ درصد دیگر، ناشی از عملکرد «مدیران بی‌عرضه» وقت (دولت روحانی) است. حال، درحالی‌که مهمترین مصداق اتخاذ سیاست «نگاه به شرق» با هدف دور زدن تحریم‌ها و فشارهای آمریکا، توافق بلندمدت با چین بوده است؛ در نخستین مورد جدی و ملموس از تبدیل آن توافق به قراردادی اقتصادی، چینی‌ها از هراس آنکه آمریکا متوجه شود، شرط محرمانگی گذاشته بودند و به ادعای ارگان شهرداری، «احتمال برهم خوردن قرارداد وجود دارد»، طرح این مطلب از سوی ارگان شهرداری، بیش از آنکه منتقدان قرارداد را به چالش بکشد؛ مبنای ادعای جریان حاکم را زیر سوال می‌برد که تصور و توهم امکان‌پذیری جذب سرمایه خارجی از شرق (با محوریت چین)، در شرایط تحریم‌های غرب (با محوریت آمریکا) را طرح می‌کرد. در این ادعا، گویی ایران جایگاه و نفوذ خود را در نظام بین‌الملل (و حتی فراتر از آن، مناسبات جهانی سیاست و اقتصاد) چنان والا می‌انگارد که به سرانگشت تدبیری و اندک اراده‌ای، می‌تواند قدرت جهانی دوم (چین) را برانگیزد و به ایستادگی و مواجهه با قدرت نخست (آمریکا) وادارد.

اما حواشی قرارداد اخیر، همچنان که در سطح سیاست داخلی چینی بندزده الگوی چینی را از هم گسیخت؛ در سطح سیاست خارجی هم، تشتت ادعاهای نگاه به شرق را از با هم به زمین بریخت. حواشی این قرارداد و چنان که ارگان شهرداری گفته، «احتمال برهم خوردن آن»، به‌روشنی نشان داد که چین به‌رغم همه قدرت اقتصادی خود و توان جمعیتی، تکنولوژیکی و... که برخوردار است؛ نه‌فقط ادعا و سودای ایستادگی مقابل آمریکا را ندارد، بلکه حتی حاضر نیست به خاطر قراردادی با ایران، خاطر کاخ سفید را بیازارد و هزینه‌ای را متحمل شود. به بیان دیگر، حتی اگر بپذیریم جهان کنونی از حالت تک‌قطبی خارج شده است و قطب‌های دیگری از منظر اقتصادی و حتی سیاسی در کنار آمریکا ظهور و بروز پیدا کرده‌اند؛ اما این قطب‌ها، خود را در قالب نظم موجود تعریف کرده‌اند و با مناسبات هر چند ناعادلانه آن سر سازگاری دارد و نه می‌خواهند و نه می‌توانند از سر ستیز با آن بربایند. چه رسد که بخواهند این ستیز را به خاطر منافع کشوری دیگر صورت دهند که از سوی قدرت برتر در نظم بین‌المللی موجود، عنصری مخالف خوان و حتی بحران‌ساز تعریف و تصویر می‌شود. دلیل این رویکرد هم روشن است؛ چین دقیقاً از زمانی قدرت گرفت که ایدئولوژی را به نفع توسعه کنار گذاشت و با انقلاب دنگ شیائوپینگ علیه مبنای انقلاب مائوتسه‌توگ و کمونیست‌های ارتدوکس، راهی را آغاز کرد که به شکوفایی امروز رسیده است. پایان دادن به ستیز با آمریکا و کنار گذاشتن رویکردهای ضدامپریالیستی، گام محوری این تحول بود. حال اگر در ایران، جریانی حاکم است که هنوز تصور می‌کند ایدئولوژی مائو بر چین حاکم است و آنان خود را در ستیز با آمریکا می‌بینند؛ به خودشان مربوط است و نه رویکرد واقع‌گرایانه رهبران چین.

موضع محافظه‌کارانه چین که در قرارداد اخیر بیش از پیش علنی شد؛ تازه در شرایطی است که دموکراتی چون جو بایدن ساکن کاخ سفید است که در قبال تحریم‌ها علیه ایران چندان سختگیر نیست و مسائلی چون فروش نفت ایران را تا حد زیادی نادیده می‌گیرد. فردا روز اگر دونالد ترامپ بیاید و سیاست‌های سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۷ علیه ایران را احیا کند؛ چینی‌ها چه خواهند کرد و دست دلدادگان «نگاه به شرق» را چگونه در پوست گردو خواهند نهاد...

تکثر و تنوعی که جز در دوران رضاشاهی و مقطعی کوتاه در دهه ۱۳۶۰، در سایر مقاطع کم‌وبیش درون ساخت قدرت نیز پژواک می‌یافته است. ناکام و ناتمام ماندن پروژه «انقلاب سفید» محمدرضاشاهی که با هدف پیشبرد سیاست نوسازی آمرانه و از بالا اتخاذ شد، شاهدی بر این مدعا است که نیروهای مقاومت در جامعه ایران در هر شرایطی (حتی مقطعی که ساخت قدرت کارآمدترین دوران خود را می‌گذراند)، زنده و پویا هستند و به‌رغم فشارهای امنیتی (ساواک) و یا یکدست‌سازی سیاسی (حزب رستاخیز)، پس از مدتی می‌توانند حلقه‌های آمريت را در بالا از هم بگسلند و از آن سو در سطح پایین، نیروهای متفاوت و متعارض را به هم پیوند دهند و در نهایت، حتی «انقلاب» کنند. پس از استقرار جمهوری اسلامی و به‌ویژه دوران پس از جنگ نیز، گرایش‌ها و نیروهایی در ساخت قدرت بودند و هستند که پیشبرد اهدافی آمرانه از بالا را در سطح نظر مطرح کردند و گاه به‌زعم خود، گام‌هایی در جهت تحقق آن برداشتند. هاشمی‌رفسنجانی، محمدباقر قالیباف و انطوریق و قرائن نشان می‌دهد، طیفی از نظامیان در سال‌های اخیر، با مبنای و رویکردهای متفاوت سیاسی، نماد جریان‌هایی هستند که نوعی توسعه آمرانه و از بالا را در نظر داشته‌اند؛ گرچه عملاً، واقعیت‌های ساختاری آنان را از تحقق کامل و حتی نسبی ایده خود باز داشته است. ظهور برهاری آسیایی (هنگ‌کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان) در دهه‌های پایانی قرن بیستم که اقتصادهای توسعه‌یافته‌ای را شکل دادند و مهمتر و جدی‌تر از آنها، چین، به تقویت ایده‌های مبتنی بر توسعه آمرانه و از بالا در نزد بخش مهمی از نخبگان و تکنوکرات‌ها و حتی نظامیان ایرانی منجر شده است؛ تا جایی که صریحاً برخی از ضرورت در پیش گرفتن «الگوی توسعه چینی» برای ایران سخن گفته‌اند. این درحالی است که برخلاف چین که نیروی انقلابی آن، به تعبیر مائو، از لوله تفنگ بیرون می‌آمد و مبتنی بر یک طبقه بود که توانست طبقه دیگری را سرنگون کند و از همد، مهمتر، رهبری و سازماندهی آن در قالب نظم انبیین حزب کمونیست شکل گرفت؛ انقلاب ایران، انقلابی تمام‌حلقی و مبتنی بر توده انبوه با نخبگان و رهبرانی از جریان‌های مختلف مذهبی، ملی، چپ، ملی-مذهبی، لیبرال و سکولار بود. (بگذریم از اینکه وجه اجتماعی و غیر حزبی و غیر منصلب انقلاب ایران چنان بود که حتی در گفتار رهبر انقلاب کمتر لفظ «انقلاب» که مضمونی رادیکال و نزدیک به گفتمان چپ مارکسیستی مسلط آن زمان داشت، به کار می‌رفت و ایشان بیشتر از عبارت «پهمن» سود می‌برد که حرکتی آگاهی‌بخش و منکی بر افشار مختلف را پژواک می‌داد و نسبتی وثیق با نظریاتی مذهبی چون «امت و امامت» پیدا می‌کرد.)

حتی پس از تحولات سه سال نخست انقلاب که در آن نیروهای غیرمذهبی و حتی ملی-مذهبی‌ها از ساخت قدرت حذف شدند؛ اما همچنان ساخت سیاسی و اجتماعی ایران به دو جهت، یکدست نشد و به راه انقلاب چین نرفت. اولاً، تأثیرگذاری و ریشه‌داری نیروهای محذوف از ساخت قدرت، در بدنه اجتماعی همچنان تداوم یافت و در مقاطع بعدی مجدداً ظهور و بروز پیدا کرد و ثانیاً، خود بلوک حاکم مذهبی (که تحت‌عنوان «مکتبی‌ها» یا «خط امام» یا «جریان حزب‌الله» صورت‌بندی می‌شد) نیز، برخلاف تصورات اولیه فاقد یکدستی و یکپارچگی بود؛ به‌طوری‌که ظرف کمتر از پنج سال، از همان نیمه دهه ۱۳۶۰ دچار صف‌بندی درونی شد. صف‌بندی‌هایی که از درون حزب حاکم (جمهوری اسلامی) و متحدان آن (جامعه روحانیت مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب) تا دولت و مجلس و حتی نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی، سپاه و کمیته‌ها را در بر گرفت و جبهه‌بندی‌هایی را از صف تا ستاد شکل داد. این صف‌بندی‌ها در دهه‌های بعد و با ظهور و بروز تحولات مختلف و عمیق نسلی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، اقتصادی و حتی امنیتی در جامعه ایران و پژواک آن درون بلوک قدرت، تشدید شد.

البته نیروهایی از هسته اصلی قدرت کوشیدند با اتخاذ سیاست‌های یکدست‌سازی و خالص‌سازی از بالا، دست‌کم از شدت تنازع درون ساخت سیاسی بکاهند و نیروهای وفادارتر و خودی‌تر را برکنند (شکلی از همان الگوی چینی که نوعی پاکسازی ادواری را در حزب کمونیست و کلیت دولت و نهادهای قدرت برآمده از آن، صورت می‌دهد). اما همانطور که سیاست «نوسازی یا توسعه آمرانه از بالا» با الگوی چینی در ایران پاسخ‌ناپذیر است «پاکسازی و خالص‌سازی آمرانه از بالا» با الگوی چینی نیز پاسخ‌نداده است؛ چراکه نیروها و جریانات سیاسی در ایران، حتی اگر از صافی‌ها و فیلترهای مختلف بگذرند، باز هم درون خود دچار شکاف، تعارض و تضاد می‌شوند. همان اتفاقی که در دهه ۱۳۶۰ در بلوک خط امام رخ داد و دو جناح چپ و راست، حول دو ضلع اصلی و منشعب روحانیت انقلابی شکل گرفت و در دهه ۱۳۷۰ نیز، میان هاشمی‌رفسنجانی و متحدان او در روحانیت مبارز و بازار تکرار شد و از دل آن، کارگزاران سازندگی برآمدند و حتی در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و پس از حوادث ۱۳۸۸، درون جریان راست حاکم، میان محمود احمدی‌نژاد و متحدان تندرو او (جبهه پایداری) با طیف‌های سنتی و تکنوکرات این جریان (با محوریت علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف) تعارض شکل گرفت؛ تا جایی که کار به انحرافی خواندن